

# تکنولوژی آموزشی یا تکنولوژی یادگیری

### چکیده:

با در نظر گرفتن این واقعیت که تکنولوژی برآمده از عقل انسان، در جهت آسان و راحت سازی، سرعت بخشی، و در نتیجه ارزان سازی انجام کارها در طول تاریخ تکوین یافته است، هرگونه کاربرد آن در امر یادگیری های مورد نیاز باید با توجه به اولویت های پیش رو صورت پذیرد. امروزه به دلیل تغییرات سریع تکنولوژی، اطلاعات به سرعت پایداری خود را از دست می دهند. بنابراین آموزش اطلاعات و لوازم و مقولات آن، به صورت بسته های درسی از پیش برنامه ریزی شده، مقرون به صرفه نیست. به نظر می رسد مادام العمر کردن یادگیری و همراه شدن با تغییراتی است که در دانش صورت می گیرد. زیرا به دلیل تغییرات سریع دانش به طور کمی و کیفی، دیگر عملاً آموختن در سال های نخستین زندگی و مصرف چنین آموخته هایی در باقیمانده عمر میسر نیست. کمیت و کیفیت دانش با سرعتی بیشتر از عمر ما کهنه و فرسوده می شود. بدین ترتیب، یادگیری هر نکته و موضوعی نمی تواند تا مدت زیادی دوام آورده و به طوری درخور قابل استفاده بماند.

به همین مناسبت، متخصصان راهبردهای نوین امر یادگیری (به طور مثال ریچاردسون و ولف، ۲۰۰۳)، برای یادگیری مادام العمر<sup>۱</sup> و به منظور پاسخگویی نیازهای پیش آمده، مراکزی با تحت عنوان مراکز یادگیری به جای مراکز آموزشی، در قالب مدرسه و دانشگاه پیشنهاد می کنند. در همین رابطه است که به جای به کارگیری تکنولوژی در آموزش مفاهیم، موضوع کاربرد تکنولوژی در یادگیری مؤثر و متناسب با زندگی و نیازهای کارپیش می آید. از همین دیدگاه است که امروزه ضرورت سیر تکنولوژی آموزشی به سوی تکنولوژی یادگیری برای هر چه مؤثرتر کردن یادگیری های انسان، با سرعت بخشیدن، آسان ساختن، و ارزان کردن دستیابی به اطلاعات و فراگیری دانش مربوطه، بیش از هر زمان دیگر مطرح می شود. زیرا تنها در این شرایط خواهد بود که محتوای یادگیری در فرایند خودگردانی، با محتوا و کیفیت آن در شرایط آموزش، تفاوت فاحش نشان خواهد داد.

شد که در زمانی نه چندان دور از نتیجه انقلاب صنعتی و تبلور قدرت اطلاعات شکل پیدا کرده بود، در گوش ها زمزمه شد.

از دل همین زمزمه ها بود که تدریجاً، لزوم تغییرات بنیادی در نظام های یاددهی-یادگیری جاری اکثر کشورهای جهان به گوش رسید و درست در همین راستا بود که اریک فروم<sup>۲</sup>، اندیشمند بزرگ اجتماعی قرن بیستم، در کتاب «داشتن و بودن<sup>۳</sup>» خود داشتن دانش را به عنوان مالک شدن آن، به صلاح انسان نمی داند.

با شروع قرن بیست و یکم و در همان اوایل دهه نخست آن، متوجه حرکت هایی می شویم که سیر تحول تازهای را در مسیر یادگیری های مورد نیاز انسان قرن بیست و یکم نوید می دهند. موضوع مهمی که زنگ خطر حفظ نظام های جاری آموزشی را به گوش می رساند و سئوال تازه ای را پیش رو قرار می دهد: «در شرایطی که با سرعت سرسام آور تغییرات شگرف در زندگی و روزانه شدن لحظه ای آن، اطلاعات به نوعی پایداری خود را از دست می دهند و از رده به روز بودن خارج می شوند، چگونه می توان به اعتبار اطلاعات برای زمانی طولانی خوش بین بود؟»

هنگامی که در اواخر قرن بیستم سرعت تغییرات در پدیده های تازه تا حدی فزونی یافت که نه تنها اطلاعات و دانش بشری از حد انفجار می گذشت، بلکه خود علم نیز در آستانه انفجار و از دست دادن چارچوب های نظری و عملی اش قرار گرفت و اندیشه پست مدرن، جانشین مدرنیسمی

### راهبردهای یادگیری در نظام آموزشی و یادگیری

در مطالعه فرایند تکوینی تکنولوژی آموزشی درمی یابیم که تزریق فناوری هوشمند به آموزش، در شرایط امروزی دیگر برای برنامه ریزان توسعه کشورها مقوله ای هوسناک نیست.

کلید واژه ها:

تکنولوژی  
آموزشی،  
تکنولوژی  
یادگیری،  
یادگیری  
مادام العمر



**رسوب انسان در یک دوره از زندگی و اختصاص آموختن به اوان زندگی، و استفاده یک عمر از آندوخته‌های دانشی کهنه خود، دیگر ادامه زندگی جاری افراد جامعه را ممکن نمی‌سازد**

که انتخاب می‌کند. بر این اساس، یادگیری‌های دائمی در موقعیت‌های زندگی باید جایگزین یادگیری‌های ثابت و محدود آموزشی شود (Richardson & Wolf, 2001).

به این ترتیب، تمرکز بیش از حد بر یادگیری‌های اساسی در اوان زندگی، یعنی درست در ایامی که انسان می‌تواند و بهتر است از سلامت و توان ایام جوانی خود بهترین بهره‌های زندگی را ببرد، دیگر لزومی پیدا نمی‌کند و آموزش در نظام‌های درس و مدرسه‌ای دیگر اجباری نخواهد بود. در عوض و به جای آن، یادگیری‌های تدریجی، مستقیم و غیرمستقیم، از جنس خودگردانی و خودگستری بیشتر مطرح می‌شود.

به همین دلیل است که برنامه‌ریزان توسعه، به جای به کارگیری و کاربرد تکنولوژی در نظام‌های آموزشی، در برنامه‌های کلان رشد و توسعه خود، بیشتر راه میان‌بر تلفیق تکنولوژی در نظام‌های یادگیری را در مراکز یادگیری مد نظر قرار می‌دهند (اسکات، ۱۳۸۳)، نه راهبردهای به‌کارگیری تکنولوژی در نظام‌های آموزشی را. زیرا یادگیری در محیط‌ها و شرایط آموزشی نمی‌تواند مایحتاج پیش آمده از سیر تغییرات بزرگ

اکنون، در شرایط قرن بیست و یکم بهتر و بیشتر می‌شود متوجه این موضوع شد که اطلاعات فراگرفته شده روز به روز کهنه می‌شوند و با از دست دادن کارایی لازم، اعتبار خود را نیز از دست می‌دهند. بدین ترتیب، اگر همین اطلاعات به دست آمده، در قالب مدارک تحصیلی، برای افراد در جامعه هویت‌ساز باشند، چگونه می‌توان به پایداری چنین هویتی در قبال تغییرات روزانه دانش حاضر دل خوش داشت؟ به همین سبب، فروم با زیر سؤال بردن دارندگی دانش به عنوان پایه‌ای ناپایدار، هویتی پاینده و پویا را در همراه شدن با دانش توصیه می‌کند.

وی معتقد است که همراه بودن با دانش در سیر تکوینی آن، تنها راه به‌روز ماندن در یادگیری‌های مادام‌العمر است. به همین دلیل، او داشتن همیشگی دانش را، در شرایط بی‌ثباتی اطلاعات، توصیه می‌کند. رسوب انسان در یک دوره از زندگی خود و اختصاص آموختن به اوان زندگی، و استفاده یک عمر از آندوخته‌های دانشی کهنه خود، دیگر ادامه زندگی جاری افراد جامعه را ممکن نمی‌سازد (Doyle, 2001).

بنابراین، با چنین چشم‌اندازی که آموزش مقولات دانش و اطلاع محور، به علت بی‌ثباتی و سرعت تغییرات زیر سؤال می‌رود، تنها راه‌حل به‌روز بودن در برابر تغییرات، همراهی پویا و پیوسته با دانش در سرتاسر زندگی و طول عمر است. این امر به معنی تقسیم همه حجم یادگیری‌های انسان به طول عمر اوست؛ بنا به نیازهای دانشی او و بر اساس کار و مشاغلی

در زندگی روزمره را پاسخ دهد؛ و عملاً مشاهده می‌شود که همیشه یادگیری‌های محصول نظام‌های آموزشی، از سطح احتیاجات زندگی روزانه عقب می‌مانند (پیشین).

**پی‌نوشت.....**

1. Life-long Learning
2. Eric Fromm
3. To have and to be

**منبع.....**

۱. اسکات، آ. (الف، ۱۳۸۳). مراکز یادگیری: راهنمای گام به گام برنامه‌ریزی، مدیریت و ارزشیابی یک مرکز مواد و منابع سازمانی. ترجمه محمد رضا افضل‌نیا، انتشارات تزکیه. تهران.
۲. افضل‌نیا، م. ر. (۱۳۸۴). آشنایی با مراکز مواد و منابع یادگیری. انتشارات سمت. تهران.
۳. افضل‌نیا، م. ر. (در دست چاپ) روان‌شناسی یادگیری، خودگستری یا یادگیری خودگردان. انتشارات تزکیه. تهران.
4. Doyle, M.E. (2001). On being an educator, in L.D. Richardson & M. Wolfe. (eds). Principles and Practice of Informal education, pp. 4-16. London & N.Y : Routledge.
5. Fromm, E. (1978). To have and to be. London: Abacus.
6. Mahoney, J. (2001). What is informal education? in L.D. Richardson & M. Wolfe. (eds). Principles and Practice of Informal education, pp. 4-16 London & N.Y : Routledge.